



روایتی از جنگ، رنج و خیال زنانه

گفت‌وگو با **بلقیس سلیمانی**
درباره داستان بلند **نشان کرده**



مریم شهبازی | روزنامه‌نگار

بلقیس سلیمانی، نویسنده‌ای که در اغلب آثارش از بستر رئالیسم اجتماعی به لایه‌های عمیق‌تری از مضامین فرهنگی، تاریخی و اجتماعی ایران سرک کشیده، این بار در داستان بلند «نشان کرده» به روایت رنج‌ها و نقش‌آفرینی‌های گم‌شده زنان در سایه جنگ تحمیلی پرداخته است. او در گفت‌وگوی پیش‌رو از چرایی خلق جغرافیای خیالی «گوران»، ادای دین به خانواده‌های آسیب‌دیده از جنگ و مواجهه زنان با تابوهای فرهنگی-اجتماعی می‌گوید. این روزها چاپ چهارم «نشان کرده» در سی‌وششمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران عرضه می‌شود، اثری که شاید آن را بتوان تداعی‌گر بخشی از ناگفته‌های جنگ و نقش‌آفرینی سنت در زندگی زنان دانست.



اغلب آثار من هستند. چرایی این حضور هم به دغدغه‌ها و تجربه‌های زیست‌ام بازمی‌گردد، اینکه وقایع مرتبط با آن دوران را با جان و روحم لمس کرده و زیسته‌ام.

● به نظر می‌رسد در این رمان، هم به بخشی از رنج و فراغی که جنگ بر خانواده‌ها و زنان ایرانی تحمیل کرده و هم به مواجهه زنان با موانعی که تابوهای فرهنگی-اجتماعی و فرهنگ مردسالارانه پیش روی آنان گذاشته است، پرداخته‌اید!

البته «نشان کرده» رمان نیست، نوول (Nouvelle) است. انتشارات چشمه از مدت‌ها قبل در قالب یک مجموعه، انتشار داستان‌هایی در این قالب را آغاز کرده است. «نشان کرده» هم یکی از همین مجموعه است. به غیر از رمان «سگ سالی»، همه کارهای من درباره زنان هستند.

● چرا همچنان سراغ جنگ رفته‌اید؟

درباره سال‌های جنگ ما هنوز با ناگفته‌های زیادی در عرصه ادبیات روبه‌رو هستیم. در یک برهه‌ای از تاریخ معاصر کشورمان، ما با جنگ به عنوان اتفاقی روبه‌رو می‌شویم که جایگاه مهمی در زندگی مردم پیدا می‌کند و برای خانواده‌ها حضور نزدیکان‌شان در جبهه، افتخاری میهنی-مذهبی به شمار می‌آید. آن قدر که اغلب مردم خواهان آن بودند که به نوعی خود را به جنگ و دلوری‌های آن منتسب کنند. در این اثر با چنین نگاهی به سراغ جنگ رفته‌ام. آن چنان که «خوبناز» شخصیت

آن را به کمک هرآنچه از فرهنگ و اقلیم کرمان می‌دانم خلق کرده‌ام. گوران داستان‌های من، جایی در جنوب کرمان، پای کوه هزار است، تقریباً همان جایی که در دنیای واقعی متولد شده‌ام.

● چرا به سراغ خلق جغرافیای خیالی رفته‌اید؟ بابت آزادی عمل بیشتری است که در اختیارتان می‌گذارد؟

بله. حتی این جغرافیای خیالی به هر حال در حول و حوش کرمان و تحت تأثیر اقلیم و بوم فرهنگی آن است. از طرفی همان گونه که اشاره کردید، خلق یک جغرافیای خیالی، دست من نویسنده را در بیان مضامین و ویژگی‌های مورد نظر، بازتر می‌گذارد. از سوی دیگر خواستار به تصویر کشیدن جغرافیایی هستم که در ذهن و یاد مخاطبان باقی بماند، حتی می‌توانم امیدوار شوم که حضور یک جغرافیای واحد و خیالی در آثارم، به داستانی که با مخاطب به اشتراک می‌گذارم عمق بیشتری ببخشد. البته این مسأله در صورتی محقق می‌شود که مخاطبان حداقل چند نوشته داستانی‌ام را خوانده باشند تا متوجه این نقطه اشتراک بشوند.

● با آن که زنان، جنگ و انقلاب از عناصر اصلی

داستان‌ها و رمان‌های شما هستند؛ چرا در «نشان کرده» به سراغ درد و رنج جنگ برای زنان و نقش‌آفرینی آنان در دوران جنگ تحمیلی رفته‌اید؟
خب همان طور که اشاره کردید، جنگ تحمیلی و وقایع مرتبط با انقلاب از مضامین اصلی و زنان قهرمان‌های

● اثر تازه‌تان «نشان کرده» وجه مشترکی با دیگر نوشته‌های شما دارد؛ حضور جغرافیای کرمان و البته شهر «گوران». تصور می‌کنم این توجه از بابت آشنایی و علاقه‌ای است که به آن خطه دارید؟

بله؛ بیشتر بحث شناختی درمیان است که از فرهنگ و جغرافیای کرمان، به عنوان زادگاهم دارم.

● و چرا حضور «گوران» در اغلب آثار شما تکرار می‌شود؟

در همه آثار من یک داستان حضور دارد، داستان گوران. هر مرتبه بخشی از سرگذشت و حال و روزش را برای مخاطبان تعریف می‌کنم.

● این حضور مدام، نوعی کنایه و استعاره است؟

گوران کنایه از سنت است؛ کنایه‌ای از ایران، کشوری سنتی که سال‌هاست با مدرنیته دست‌وپنجه نرم می‌کند و هنوز نتوانسته آن طور که باید، تغییرات جهان جدید و مواجهه با تجدد را بپذیرد. حتی به یک معنا این اثر درباره خودم، بلقیس سلیمانی و درباره خودمان، یعنی یک به یک ما ایرانیان است.

● حالا چرا گوران؟ تا جایی که می‌دانم مصداق واقعی ندارد!

بله. گوران موجودیتی در دنیای واقعی ندارد. ساخته و پرداخته ذهن خودم است. این شهر در جغرافیای ساختگی داستان‌هایی که می‌نویسم وجود دارد. منتهی